

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. فاجعهٔ جهانگستر کرونا به همگان نشان داد که برخی از تذکرات بهداشتی، در عین سادگی و بدیهی بودن، به اندازه‌ای ضرورت دارد که می‌طلبید صدها بار در هر روز، از رسانه‌ها و تریبون‌ها در سراسر جهان تکرار شوند و حتی محور کارهای هنری مانند کلیپ و گرافیک قرار گیرند.

۲. این فاجعه به همگان نشان داد که نتایج ناشی از اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را نباید در کوتاه مدت انتظار داشت، بلکه با نگاهی به آینده و رویکرد درازمدت باید به ثمرات اقدامات عقلایی چشم دوخت.

۳. این فاجعه این حقیقت را پیش چشم همگان به نمایش در آورد که صرف مال و بذل توجه به حل چنان مشکلی هزینه نیست تا مشمول صرفه‌جویی شود و از اولویت برنامه‌ها خارج شود، بلکه سرمایه‌گذاری ضروری و مهمی است که باید برای سود آینده به آن روی آورد و از زحمت آن نهراسید. باید دانست که این راه دشوار، سرمنزلی از نجات و رهایی در پی دارد.

۴. در ایام کرونا فهمیدیم که ویروس کشندهٔ غفلت از اصول خریدپذیر انسانی همواره می‌تواند پیامدهای منفی درازمدت در سطح گسترده داشته باشد. نتایج این بی‌توجهی گاهی در پرده می‌ماند، ولی گاهی - مانند این روزهای سخت - خود را فرادید همگان می‌آورد.

۵. کرونا نقاط آسیب‌پذیر دانش بشری را به او نمایاند که با وجود ادعاهای شگفت خود،

چگونه در برابر یک ویروس تازه به زانو در می‌آید و ناتوانی خود را با صدای بلند اعلام می‌دارد.

۶. شیوع کرونا یک بار دیگر این حقیقت را به بشر یادآور شد که نجات جان یک نفر - حتی یک نفر - چه میزان اهمیت دارد؛ تا آنجا که آن همه مرگ‌های گروهی هرگز بر آن پرتو نمی‌افکند. بدین روی بشر تمام توان خود را بر درمان یک تن متمرکز می‌کند.

۷. گستردگی این رویداد در سطح جهان، مقابله‌ای جهانی می‌طلبد و این خود عزمی جهانی می‌خواهد. هر گونه سستی و اهمال در این عزم جهانی در رشته مقابله فراگیر با ویروس مربوطه، گسست پدید می‌آورد.

۸. این نکات، برخی از یافته‌هایی است بس شتابان، به خاستگاه و پیامدهای فاجعه کرونا که نزدیک به یک سال، با هجمه‌ای بی‌امان تمام دنیا را در نوردیده است. نیز نگاهی سریع به راهکار مقابله با آن دارد که در نگاه اول بسیار آسان می‌نماید، ولی ضرورت توجه عملی به آن، سخن اول در گستره جهان شده است.

۹. اما ضرورت توجه عقلایی توجه جدی جهانی به این ویروس - که جسم و تن انسانها را هدف گرفته - نباید ما را از ویروسی دیگر غافل کند، به مراتب کشنده‌تر از کرونا، که قرن‌هاست روح و روان آدمیان را هدف گرفته و آنها را به هلاکت معنوی گروهی کشانده و به گونه "چراغ خاموش" در مسیر سقوط پیش می‌برد.

۱۰. این واقعیت تلخ را باید بپذیریم که هجوم بی‌امان غفلت از دویادگار ماندگار رسول خدا و دورایت هدایت امت، که بر پیکر نحیف ایمان مردمان فرود آمده، زیانهای جبران‌ناپذیر بر امت و شریعت وارد ساخته است. با این همه، واقعیت تلخ‌تر این است که این زیانهای مهلک کمتر فرایید اهل نظر آمده، چه رسد به مردم عادی که دقت در ریشه‌ها و پیامدهای مسائل را نباید

از آنها انتظار داشت.

۱۱. در این میان می‌توان با توجه به تجربه گرانسنگ مقابله با کرونا به عنوان یک فاجعه جهانگستر جسمی، در زمینه مقابله با غفلت به عنوان ویروسی که دوری فرد و جامعه ما از حقایق وحیانی (قرآن و عترت) و پیوند ناگسستنی آنها را در پی دارد، بهره گرفت:

یکم. از تکرار تذکرها ی ساده و فطری و استوار، گرچه بدیهی به نظر آید، نباید ملول شد. دوم. در این هشدارها باید رویکرد دراز مدت و نگر داشت.

سوم. در این راه، صرف اموال و زمانها و دانش و تجربه‌ها را سرمایه‌گذاری بدانیم و از آن استقبال کنیم.

چهارم. برای بررسی پیامدهای معنوی غفلت، نباید فقط به پیامدهای مشهود اکتفا کرد، بلکه پیامدهای پنهان نیز باید مورد نظر باشد.

پنجم. نقاط آسیب‌پذیر دانش و بینش دینی صحیح را دقیق و درست بشناسیم و بر اساس کارشناسی جامع برای آن راهکار مناسب پیدا کنیم.

ششم. در این راهکارها، به جای کمیت محوری، به هدایت حتی یک تن بیندیشیم. هفتم. مقابله با غفلت جهانگستر، عزمی جهانی می‌طلبد.

۱۲. شرح این قصه پر غصه راه‌الم باید نه قلم. این ماجرا مصداق شعر شاعر است که گفت:

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت

عجب مدار که سروی نمازد و یاسمنی

آثار این ذلت و ضلالت و غفلت، در کتابها و درسها و مجالس علمی، نه تنها هر لحظه در گوشه گوشه اقالیم قبله نمودار می‌شود؛ بلکه در دنیای ارتباط محور فعلی به دیگر نقاط جان کشیده می‌شود. بعلاوه گاه، از عرصه اندیشه به صحنه عمل نیز می‌رسد. آنگاه فاجعه‌هایی رخ

می‌دهد که نمونه‌های آن را پیوسته در جای جای جهان دیده‌ایم و می‌بینیم. این همه مشاهدات تلخ، اگر جانی خفته را برای اقدای جدی بیدار نکند، باید در حیات معنوی چنین فردی تردید کرد.

۱۳. اینک، در این زمان - که زمان امامت امام عصر عجل الله فرجه است - باید شکوه‌های مستمر آن امام همام از غفلت‌های گونه‌گون امت را جدی بگیریم و به یاد آوریم که باید در برابر حضرتش پاسخگوی این نعمت والای الهی (کتاب و عترت) باشیم.

حضرتش در یکی از توقیعات بیدارگر خود می‌فرماید:

«كَيْفَ يَسْأَفُطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ وَ يَأْخُذُونَ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَارْتَفُوا دِينَهُمْ أَمْ اِزْتَابُوا أُمَّ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَّوْا مَا يَعْلَمُونَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَ إِلَّا مَعْمُورًا» (کمال‌الدین ج ۲ ص ۵۱۱)

چگونه در فتنه در افتادند و در وادی سرگردانی گام می‌زنند و به چپ و راست می‌روند، از دینشان دست برداشته‌اند یا آنکه شک و تردید کرده‌اند یا آنکه با حق عناد و دشمنی می‌کنند یا آنکه روایات صادق و اخبار صحیح را نمی‌دانند؟ یا آن را می‌دانند و خود را به فراموشی می‌زنند؟ آیا نمی‌دانند که زمین، هیچ‌گاه از حجت خدا - که یا ظاهر است و یا نهان - خالی نمی‌ماند؟

از لطف خدای کارساز بنده نواز امید می‌بریم که چشمی بینا و گوشی شنوا به ما عنایت فرماید و توفیق رهپویی و رهجویی در این صراط مستقیم را از ما باز ندارد. آمین.